

نشریه دانشکده ادبیات تبریز

۱۳۴۳

پاییز سال

عزیز دولت آبادی

مقبرة الشعرای سرخاب

در بهمن ماه ۱۳۴۱ کشف مقابر شعرای آذربایجان و احیاء تربت بزرگان این سرزمین مورد توجه علاقمندان شعر و ادب پارسی قرار گرفت و برای تحقق این منظور و کشف محل تقریبی مقبرة الشعراء سرخاب کمیسیونی مرکب از اهل فن و صاحب نظران تشکیل یافت. اعضای این کمیسیون پس از مطالعه آثار و مدارک راجع باین موضوع و استفاده از قرائن موجود و تطبیق و مقایسه اسناد؛ محل و موقع تقریبی مقبرة الشعراء را تعیین کردند و بدینوسیله مقدمات تجدید بنا و احیاء مقابر مفاخر شعر و ادب آذربایجان و بزرگداشت آنان فراهم گشت.

مقبرة الشعرای سرخاب آرامگاه چند تن از بزرگترین شعرای ایران و آذربایجان می باشد و جای آنست که در این موقع که حسن مناسبت فراهم است و ملت اصیل ایران تدارک جشنهای دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی خود را می بینند با احیاء قبور

این افتخارات ملی و ذخایر قومی، که هر یک در عصر خود خدمتگزار تاریخ علم و دانش و شعر و ادب ایران بوده‌اند ورقی تابناک و زرین و جاودان بر این مجموعه نفیس افزوده گردد و شکوه و رونق این سرور موثر تاریخی هر چه بیشتر بردلها نشیند .

بر خود فرض میدانم که قبل از ورود بموضوع از راهنمائیهای سودمندیکه استاد ارجمند جناب آقای دکتر مرتضوی در تنظیم این مقاله فرموده‌اند کمال تشکر را نمایم.

تحقیق درباره سرخاب و اهمیت آن

بشهادت اسناد تاریخی و تذکره‌ها و کتب رجال از قدیم الایام بین کویهای شهر تبریز چهار کوی سرخاب و چرنداب و گجیل و شش گیلان یا شش گیله بشهرت و اهمیت موصوف بوده‌اند .

از این چهار کوی ، کوی گیله (ششگلان کنونی) با همه اهمیت و قدمتی که دارد باسه کوی دیگر یعنی سرخاب و چرنداب و گجیل قابل مقایسه نیست زیرا این سه کوی مشهور علاوه بر قدمت و اهمیت تاریخی از لحاظ اختصاص و انتساب بشعر و علما و عرفا در تاریخ ادبیات ایران و آذربایجان مقام و ارزش خاص دارند و نام سرخاب و چرنداب و گجیل با نام پر افتخار گروهی از مشهورترین سرایندگان و پیران و دانشمندان میهن ما پیوندی انکارناپذیر دارد .

شیخ کمال خجندی عارف مشهور قرن هشتم در ایامی که دور از تبریز آرزوی بازگشت باین شهر را در دل می‌پرورانیده در باره صفا و معنویت تبریز و سه کوی مشهور آن چنین فرموده است :

تبریز مرا بجای جان خواهد بود پیوسته مرا ورد زبان خواهد بود
تا در نکشم آب چرنداب و گجیل سرخاب ز چشم من روان خواهد بود
باز فرماید :

تبریز اگر کند هوس، اورا از این مقام سیلاب اشک راست بسرخاب میبرد

از مطالعه دقیق آثار و اسناد تاریخی و ادبی و اشارات موجود در کتب مختلفه چنین برمیآید که سکونت شاعران و عارفان و دانشمندان در این سه کوی بزرگ تصادفی نبوده بلکه هر یک از این سه کوی اختصاص بیکی از طبقات مذکور داشته است؛ و اگر بخواهیم ارتباط کلی هر ناحیه‌ای را با یکی از این طبقات تعیین بکنیم شایسته‌تر خواهد بود که سرخاب را مخصوص شاعران و پیران و چرنداب را مقام دانشمندان و گجیل را منسوب بعارفان بدانیم. البته این ارتباط و انتساب فقط جنبه سکونت و اقامت در ایام زودگذر زندگی را نداشته بلکه بگواهی اسناد موجود، چه بسا شعرا و عرفا و فضلاءیکه در این کویها زیسته و پس از مرگ نیز در زیر خاک آن خفته‌اند و ظاهراً تجانس روحی و معنوی سبب شده است که پس از فوت نیز این بزرگان در جوار هم بیاسایند چنانکه بابامزید وصیت مینماید که او را در جنب‌مزار شیخ محی‌الدین صغار دفن کنند؛ و کمال خجندی تأکید میفرماید که او را در حظیره بابامزید بخاک سپارند (ولی تابوت مکرر میشکند و ناگزیر درولیا نکوهش دفن میکنند).

اگرچه بحث درباره تعیین اختصاص سرخاب و چرنداب و گجیل بشاعران و دانشمندان و عارفان از موضوع بحث ما بیرونست ولی برای روشن شدن موضوع قول صاحب تاریخ اولادالاطهار را ذکر میکنیم: «مشهور است که از مقبرة الشعراء تا مزار باباحسن تعلق بشعرا داشته در زمان سابق غیر از شعرا در این میان کسی را نمیگذاشتند که دفن شود» تاریخ اولادالاطهار ص ۱۵۰.

پیش از ورود در بحث راجع به «مقبرة الشعراء» شایسته است کوی تاریخی و بزرگ سرخاب را (که اشعار مذکور از کمال خجندی گواه اهمیت و مقام معنوی آن و اشارات موجود در پاره‌ای از کتب که آن کوی را «ولایت سرخاب» خوانده‌اند)

۱- «منشاء و مولد مبارك شاه قاسم انوار ولایت سرخاب تبریز است و ازا کابر سادات و اشراف آن دیار بوده، تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی ص ۳۸۵.

دلیل عظمت ظاهری و وسعت آن است) بشناسیم زیرا در هر حال مقبره الشعرادر سرخاب واقع بوده و بعبارت دیگر بخشی از این کوی بشمار میرفته است.

جای آنست که بمناسبت مقال مطلبی را که در تاریخ حشری درباره «عزت خاک سرخاب» آمده است عیناً نقل کنیم:

«مردمی که از تبریز بخدمت مولانا جلال‌الدین مشرف شده و آنچه بسبیل هدیه میبرده‌اند قبول ننموده و میفرموده که هر کس از تبریز می‌آید تحفه او خاک سرخاب است که برای ما قدری بیاورد، که با خاک سرخاب فیضی هست که من آن فیض را باهیچ خاکی ندیده‌ام! هر کس از تبریز بروم میرفته قدری خاک در کیسه کرده بسبیل تحفه بخدمت مولانا میبرده‌اند و مولانا بعزت تمام آن خاک را نگه میداشته ص ۱۱۲ تاریخ حشری.

در همین تاریخ حشری ضمن شرح حال شعرا و عرفا و مزارات آنان بنامهای کوچه‌ها و معابر و مساجد و غیره برمیخوریم که متأسفانه تطبیق آن نامها با نامهای کوچه‌ها و معابر کنونی سرخاب جز در یکی دو مورد فعلاً امکان پذیر نیست و شاید در آینده باتتبع دقیق و تحقیق عمیق در منابع معتبر دیگر (که هم اکنون در دست است یا اینکه در آتیه بدست خواهد آمد) بتوان نام و موقع فعلی هر یک از آنها را تعیین کرد. اهمیت چنین تحقیقی بیشتر از این لحاظ است که پس از روشن شدن نام و محل هر یک از آن کوچه‌ها و تکیه‌ها و غیره (که هر یک بمناسبتی در ضمن شرح مقابر بزرگان ذکر شده) بااطمینان و آگاهی بیشتری خواهیم توانست محل سکونت یا مقبره هر یک از شعرا و عرفای مقیم در کوی سرخاب را بشناسیم و دور نیست که پس از بدست آوردن این چراغ تحقیق بتوانیم با گامهای استوارتری در ظلمت قرون سپری شده و تاریکی تاریخ از کوچه‌ها و کوچه‌باغها و میدانها و تکیه‌های بر بادرفته سرخاب قدیم بگذریم و نقشه نسبتاً دقیقی از کوی سرخاب و معابر و مساجد و مزارات آن ترسیم کنیم. نامهای کوچه‌ها و مساجد و تکیه‌های سرخاب که در تاریخ حشری از آنها یاد شده عبارتست از:

شارع بابا مزید - دره گراب (قس: گرو کنونی) - شارع بابا حسن - کوچه جاروب
 بندان - گود عرب - آجا باد: کوچه بوده است در حوالی دراعلی (قس: آجانا باد کنونی) -
 خانه های ساربا نقلی - کوچه سرخاب - محب کبود - پای منار سرخاب - مسجد خلیلان -
 عمارت بیگم دولتخانه جدید - کوچه حسین بیک - تکیه میر مهدی .

مزارات سرخاب

علاوه بر مقابر متفرقه که در کوی سرخاب وجود داشته آن کوی عظیم را سه
 مزار مشهور بوده، یعنی «مزار بابا حسن» و «مزار بابا مزید» و «مقبرة الشعرا». از این
 مقابر و مزارات، مزار بابا حسن و مزار بابا مزید اختصاص به باباها و پیران داشته
 ولی مقبرة سوم بمناسبت دفن تدریجی شعرا بدین نام یعنی «مقبرة الشعرا» مشهور
 شده است .

مقبرة الشعرا

در باره مقبرة الشعرا توجه باین نکات لازم مینماید :

۱- مقبرة الشعرا بشهادت همه مدارك موجود در سرخاب واقع بوده است .
 ۲- چنانکه گفته شد بنظر میرسد که تسمیه این گورستان به «مقبرة الشعرا»
 باین علت بوده که بمرور زمان شاعران بزرگی چون خاقانی و ظهیر و غیره در آنجا
 آرام ابدی یافته اند تا جائیکه برای دیگر شاعران آرمیدن در جوار آن سراینندگان
 نامدار آرزویی بزرگ بشمار میرفته .

۳- ذکر این این نکته نیز لازم بنظر میرسد که فقط در مدارك متأخر به
 نام «مقبرة الشعرا» بر میخوریم و در منابع قدیمی مثل تذکره دولتشاه سمرقندی تنها سرخاب
 یا مقبرة سرخاب یا خاک سرخاب و غیره بچشم میخورد و علت این موضوع جز این
 نتواند بود که اولاً چنانکه گفتیم مزار مزبور تدریجاً نام «مقبرة الشعرا» یافته است،
 ثانیاً برای مؤلفانی چون دولتشاه سمرقندی جزئیاتی از قبیل نام محلی مزار مهم نبوده

و بد کر سر خاب اکتفا نموده اند .

۴- یکی از قوی ترین قرائنی که بکشف و تعیین محل مقبره الشعراء سر خاب کهک میکند اینست که بقول حشری «حضرت سید حمزه در جوار سر خاب آرمیده... ص ۸۸» و از طرف دیگر میدانیم که محل مقبره الشعرا در ابتدای سر خاب بوده (حشری ص ۱۱۶) و همچنین نادر میرزا در تاریخ دارالسلطنه تبریز راجع به مقبره الشعرا حدس زده که محل قدیمی آن در مشرق مقبره میرزا عیسی حسینی فراهانی بجنب بقعه سید حمزه بوده است (تاریخ تبریز، ص ۱۳۳). عین مطلبی که در تاریخ دارالسلطنه تبریز راجع به مقبره الشعرا آمده چنین است :

«این گورستانی معروف بوده بکوی سر خاب. بدین کوی گورستانها باشد کوچک و بزرگ، ندانیم که این مقبره کدام باشد مگر آنکه در این کوی بجنب بقعه سید حمزه مقبره عمارت کرده برای مدفن میرزا عیسی حسینی فراهانی که قائم مقام صدارت ایران و دستور نایب السلطنه عباس میرزا ولیعهد شاهنشاه ایران بود و بسوی مشرق آن مقبره، قبرستانی است بس کهنه از بعضی شنیده ام که مقبره الشعرا آنجا باشد.» ص ۱۳۳

۵- ضمن مرور در منابع راجع به مقبره الشعرا باین نکته بر میخوریم که در بعضی از این منابع از قبیل تاریخ حشری آنجا که سخن از مقبره الشعرا و مزار شاعرانی چون حکیم خاقانی و حکیم اسدی و شاهپور و ظهیرالدین محمد فاریابی بمیان میآید میگوید «اظهر من الشمس» است (تاریخ حشری ص ۱۱۶) در حالیکه در منابعی چون تاریخ اولاد الاطهار و دیگر منابع متأخر (مثل تاریخ دارالسلطنه تبریز نادر میرزا) از مقبره الشعرا همچون مقبره ای معدوم و گورستانی نامعلوم یاد میشود. با توجه باین نکته و تاریخ تألیف این کتب و مدارک (کتاب و منابع تألیف شده در آذربایجان منظور است) میتوان تاریخ تقریبی انهدام وزیر خاکی رفتن مقبره الشعرا را تعیین کرد. البته برای تحقیق کامل در این زمینه اشاره بعلم و موجبات گوناگونی که باعث انهدام مقبره الشعرا شده لزوم دارد .

علل از بین رفتن مزارات شعرا در سرخاب

علل از بین رفتن مزارات شعرائی که در سرخاب مدفون بوده‌اند و انهدام مقبره الشعرا مسائل متعدد و پیچیده‌ای بوده است که برجسته‌ترین آن مسائل و حوادث عبارتند از :

۱- حوادث طبیعی از قبیل زلزله (مثل زلزله وحشتناک سال ۱۱۹۳) و سیل و غیره. صاحب تاریخ اولاد الاطهار در این باره یعنی تأثیر زلزله‌ها در، از بین رفتن مزارات شعرا میگوید: «در این زمان از جهت زلزله‌های متعدده ... مزار اکثر آنها معلوم نیست» ص ۱۵۱.

۲- لشکرکشی‌ها و حوادث نظامی و سیاسی مثل اشغال تبریز از طرف ترکان عثمانی و اردوگاه قرار دادن کوی سرخاب چنانکه قشون ترك در پاییز ۱۱۳۷ هـ بفرماندهی سر عسکر عبدالله پاشا کوپریلی به تبریز رسید و محله‌های دوه‌چی و سرخاب را که قبلاً نیز اردوگاه سلیم بود اشغال کرد.

۳- تعصبات مذهبی و تأثیر این تعصبات در انصراف توجه عمومی از مسائلی مثل تفاخر بنام و مزار شاعران بزرگ گذشته و تقدس مزارات آنها، که باعث عدم توجه بمزارات مزبور شده و راه را برای خرابی و انهدام مزارات شاعران و فراموش شدن تربت پاک آنان هموار کرده است.

بزرگانی که در گورستانهای سرخاب خفته‌اند

اشاره کردیم که سرخاب را سه گورستان مشهور بوده است (مزار بابا حسن، مزار بابا مزید، مقبره الشعرا) و گروهی از بزرگان نیز بطور پراکنده در نقاط مختلف کوی سرخاب مدفون شده‌اند. چون بحث ما فعلاً درباره مقبره الشعرا و شاعران خفته در آن مقبره است از تفصیل درباره بزرگان و پیران تصوف که در مزار بابا حسن و بابا مزید زیر خاک آرمیده‌اند چشم می‌پوشیم و فقط اشاره می‌کنیم که در این دو مقبره

بزرگانی چون بابا حسن، مولانا لسانی، شیخ نورالدین بیمارستانی، شیخ حسن بلغاری، مولانا محمد مغربی، قطابی، مشرقی، مولانا حافظ حسن (مؤلف روضات الجنان) و خواجه هماد تبریزی و... مدفون بوده اند.

شاعرانی که در مقبره الشعرا آرمیده اند

در تاریخ حشری راجع بشعرائی که در مقبره الشعرا رخ در نقاب خاک کشیده اند چنین آمده است :

«مزار فیض آثار و مرقد لازم الانوار و تربت بار تبت فصاحت آثار و مدفن بلاغت»
 «شعار حکیم خاقانی و حکیم اسدی و شاهپور و ظهیرالدین محمد فاریابی در ابتدای سرخاب»
 «اظهر من الشمس است و آن مزار موسوم است بمقبره الشعرا...» ص ۱۱۶ .

«مشهور است که جماعتی از مشاهیر شعرای متصف رحمهم الله در خاک سرخاب بتخصیص در مقبره الشعرا آسوده اند چون در این زمان قبر هر یک از این اعزه معین است بنا بر این راقم این نسخه از ذکر ایشان ساکت نشده از آن جمله این چند کس محقق شد. مجیرالدین بیلقانی و اثیرالدین اخسیکتی - حکیم قطران - مانی شیرازی - شهر سبزواری» ص ۱۱۸ .

معروفترین شعرائیکه در مقبره الشعرا مدفونند :

- ۱- اسدی طوسی
- ۲- قطران
- ۳- خاقانی
- ۴- مجیرالدین بیلقانی
- ۵- ظهیرالدین فاریابی
- ۶- شاهپور بن محمد
- ۷- اثیرالدین اخسیکتی و...

اسدی طوسی

ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی (متوفی بسال ۴۶۵) صاحب منظومه حماسی مشهور گرشاسبنامه و کتاب لغت فرس و مناظرات معروف. از شعرا و فضالای قرن پنجم بشمار میرود. در منابع زیرین شرح حال او را بتفصیل میتوان مطالعه کرد :

تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۳۹-۳۵ - مجمع النصح جلد اول ص ۱۳۹-۱۰۷ -
 آتشکده آذر ص ۹۰-۸۹ - شعر العجم جلد اول ص ۱۳۱ - ۱۲۸ - سخن و سخنوران جلد دوم ص ۱۲۹-۷۳ تألیف استاد فروزانفر - لغتنامه دهخدا «اسدی» ص ۲۲۷۶ - ۲۲۶۵ -

مجالس المؤمنین مجلس دوازدهم - مرات الخيال ص ۲۴-۲۳ - اسماء المؤلفین و آثار -
 المصنّفین جلد اول ص ۷۱ - شمع انجمن ص ۳۲ - مطلع الشمس جلد اول ص ۲۷۲ -
 ۲۷۱ - ریحانة الادب جلد اول ص ۶۶-۶۷ - تاریخ فرشته جلد اول ص ۶۶-۶۷ - گنج
 دانش ص ۳۵۴ - ریاض الجنه، روضه پنجم، قسم دوم ص ۷۹۲ - الذریعه الی تصانیف -
 الشیعه قسم اول از جزء ۹ - تذکرة محمد شاهی (نسخه خطی کتابخانه مجلس شماره
 ۹۰۳) رشته اول ص ۸-۹ - تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر رضازاده شفق ص ۶۹ -
 ۶۷ - تاریخ ادبیات ایران نگارش هرمان اته ص ۴۵-۴۰ و ۵۶-۷۵ .

قطران

حکیم ابومنصور قطران تبریزی قصیده سرای توانای قرن پنجم در تاریخ ۴۶۵
 وفات یافته است :

برای اطلاع بیشتر از شرح حال او بمنابع زیرین مراجعه شود :

لباب الالباب جلد دوم ص ۲۲۱-۲۱۴ - تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی
 ص ۶۷-۶۹ هفت اقلیم، اقلیم چهارم، تبریز - آتشکده آذر ص ۳۶-۳۷ - ریاض الجنه،
 روضه پنجم، قسم دوم ص ۹۰۴ - مجمع الفصحا جلد اول ص ۴۷۶-۴۶۶ - صبح گلشن
 ص ۳۳۴ - قاموس الاعلام جلد پنجم ص ۳۶۷۵ - تاریخ ادبیات ادوارد براون جلد
 اول ص ۶۷۳ - اسماء المؤلفین و آثار المصنّفین جلد اول ص ۸۳۶ - ریحانة الادب جلد
 سوم ص ۳۱۱-۳۱۲ - سخن و سخنوران جلد دوم ص ۱۶۰-۱۳۰ - دانشمندان آذر بایجان
 ص ۳۰۷-۳۰۹ - مقالات کسروی در مجله ارمغان سال دوازدهم ص (۵۱-۴۵) -
 (۱۰۶-۱۰۱) - (۱۸۴-۱۷۷) - (۳۰۱-۲۹۷) - (۳۹۱-۳۸۳) - (۴۶۱-۴۵۷) -
 (۵۳۸-۵۳۴) - تاریخ ادبیات دکتر رضازاده شفق ص ۷۳-۷۲ - هرمان اته ص ۹۹ -
 ۹۸ و ...

خاقانی (متوفی ۵۹۵ ه. ق)

ابو بدیل افضل الدین ابراهیم بن علی شروانی از اکابر شعرا و مشاهیر فضالاست

دولتشاه سمرقندی درباره خوابگاه ابدی او و سایرین چنین مینویسد: «وفات خاقانی در شهر تبریز بوده ... و در سرخاب آسوده است مرقد او الیوم مشهور و مقرر است، قبر افضل الزمان ظهیرالدین طاهر بن محمد قازیابی و ملک الشعرا شاهفور بن محمد اشهری نیشابوری هر دو در پهلوی خاقانی است» ص ۹۳.

شرح حال او در مآخذ زیرین بتفصیل مندرج است:

- محمد عوفی، لباب الالباب، جلد دوم ص ۲۲۴-۲۲۱ - حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده ص ۸۱۸ - جامی، بهارستان ص ۱۱۱-۱۰۹؛ نقحات الانس ص ۵۴۷-۵۴۶ - تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۸۳-۷۸ - ترجمه مجالس النعاس ص ۳۳۳-۳۳۱ - آتشکده آذر ص ۵۳-۳۹ - درویش حسین حافظ، روضات الجنان نسخه خطی کتابخانه خصوصی حاجی حسین آقا نخجوانی ص ۱۵۳-۱۴۹ - نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، مجلس دوازدهم - معصومعلی شیرازی، طرائق الحقایق جلد دوم ص ۲۸۰ - امیر شیرعلی، مرات الخیال ص ۳۱-۲۹ - تذکره حسینی ص ۱۱۸-۱۱۷ - شمع انجمن ص ۱۳۷ - مجمع الفصحا جلد اول ص ۲۱۳-۲۰۰ - ریاض العارفين ص ۱۹۱-۱۸۸ - قاموس الاعلام جلد سوم ص ۲۰۱۲ - شعر المعجم جلد دوم ص ۹-۶ - ریحانة الادب جلد اول ص ۳۷۵-۳۷۱ - دانشمندان آذربایجان ص ۱۳۲-۱۲۹ - استاد فرزانفر، سخن و سخنوران جلد دوم ص ۴۰۳-۳۰۰ - اسلام انسیکلوپدیسی جلد پنجم قسم اول ص ۹۵-۸۵ - مجله یادگار، سال سوم شماره ۶-۷ ص ۱۹-۷ - یادگار سال چهارم شماره ۱۰-۹ ص ۹۴ - مجله ارمغان سال پنجم ص (۱-۹)، (۳۷۵-۳۸۸)، (۵۱۴-۵۰۵)، (۶۳۳-۶۲۹) سال ششم ص (۱۹-۱۴)، (۷۶-۷۷)، (۱۰۲-۹۸)، (۲۴۱-۲۳۷)، (۲۹۳-۲۸۸)، (۶۱۰-۵۹۷) روضات الجنات ص ۷۸-۷۷ - ریاض السیاحه ص ۵۵-۵۴ - فهرست کتابخانه مجلس ص ۲۷۶ - ۲۷۵ - فهرست کتابخانه سپهسالار جلد دوم - ص ۴۶۷-۴۶۳، ۵۰۳-۵۰۲ «ریاض الجنه» (نسخه خطی کتابخانه مرحوم حاجی محمد نخجوانی) روضه پنجم، قسم دوم

ص ۸۲۴-۸۲۲ - «بحر العلوم» (نسخه خطی کتابخانه آقای حاجی حسین نخبجوانی جلد اول شعبه ثانیه - الذریعه الی تصانیف الشیعه قسم اول از جزء نهم ص ۲۸۱-۲۸۰ - نتایج الافکار ص ۲۱۰-۲۰۸ - تذکره کاظم (نسخه خطی کتابخانه مجلس) بشماره ۹۰۱ ص ۱۸۴-۱۲۱ - مجله گنجینه معارف سال اول شماره ۷ ص ۱۶-۱ - خزانه عامره ص ۲۰۹-۲۰۴ .

مجیرالدین بیلقانی (متوفی ۵۹۴ ه. ق)

شاگرد خاقانی بوده و روش استاد خود را با قدرت و مهارتی خاص تقلید کرده است. شرح حال وی در مآخذ زیرین مندرج است .

تذکره الشعرای دولتشاه سمرقندی ص ۱۱۸-۱۱۵ - هفت اقلیم ، اقلیم پنجم بیلقان - قاموس الاعلام جلد ششم ص ۴۱۷۳-۴۱۷۲ - سخن و سخنوران جلد دوم ص ۲۸۲-۲۵۰ - ریحانة الادب جلد سوم ص ۴۷۶ - مجله یادگار سال چهارم شماره ۹ و ۱۰ ص ۹۲ - تاریخ گزیده ص ۸۲۵ تذکره حسینی ص ۳۰۸-۳۰۶ - آتشکده آذر ص ۳۱-۳۰ - ریاض الجنه روضه پنجم قسم دوم ص ۹۱۲ - شمع انجمن ص ۴۱۱ - دانشمندان آذربایجان ص ۳۲۶-۳۲۵ - روز روشن ص ۶۱۱-۶۱۰ و ...

ظہیر فاریابی (متوفی ۵۹۸ ه. ق)

ظہیرالدین طاهر بن محمد فاریابی از شعرای قرن ششم است بنوشته دولتشاه سمرقندی «وفات او در تبریز بود در شهر سنه ثمان و تسعین و خمسائه بروز گارد دولت اتابک اینانج بن قزل ارسلان - ظہیرالدین فاریابی در جنب خاقانی در سرخاب تبریز مدفونست» ص ۱۲۷ تذکره الشعرا .

شرح حال وی در منابع زیرین مندرج است :

لباب الالباب جلد دوم ص ۳۰۷-۲۹۷ - تاریخ گزیده ص ۸۲۲ - تذکره الشعرای دولتشاه سمرقندی ص ۱۱۴-۱۰۹ - المعجم فی معاییر اشعار العجم ص ۳۴۴ - بهارستان جامی ص ۱۱۴-۱۱۱ - ترجمه مجالس النفايس ص ۳۴۱ - ۳۳۹ - تذکره حسینی

ص ۲۰۱-۲۰۰- شمع انجمن ص ۲۸۴-۲۸۱ - مرات الخیال ص ۳۶-۳۵ - آتشکده آذر
 ص ۳۳۲-۳۲۷ - شعر العجم جلد دوم ص ۶-۳ - قاموس الاعلام جلد چهارم ص ۳۰۳۵؛
 جلد پنجم ص ۳۳۲۹ - مجمع الفصحا جلد اول ص ۳۳۶-۳۳۰ - ریاض العارفين ص ۲۲۰-
 ۲۱۹ - اسماء المولفين و آثار المصنفين جلد اول ص ۴۳۰ - لغتنامه دهخدا «ظهير» ص
 ۳۳-۳۱؛ «ظاهر» ص ۹۴ - ریحانة الادب جلد سوم ص ۴۵-۴۴ - ریاض الجنه ، روضة
 پنجم قسم دوم ص ۸۷۰-۸۶۹ - نتایج افکار ص ۴۴۷-۴۴۵ - خزانه عامره ص ۳۱۳-۳۰۳
 تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته ص ۱۲۱ .

شاهپور بن محمد (متوفی ۶۰۰ ه. ق)

بنوشته دو لته شاهوی «شاگرد ظهیر الدین فاریابی است رساله شاهفوری در علم استیقا
 بدو منسوبست ... وفات شاهفور، در تبریز بوده و در سرخاب تبریز آسوده است ، در
 جنب خواجه افضل الدین خاقانی و ظهیر الدین فاریابی» ص ۱۵۳-۱۵۲ تذکرة الشعراء.
 شرح حال او در منابع زیرین مندرج است :

هفت اقلیم، اقلیم چهارم، نیشابور- مرات الخیال ص ۵۳-۵۲ - نتایج افکار ۳۶۳-
 ۳۶۲ - صبح گلشن ص ۲۲۰ - قاموس الاعلام جلد چهارم ص ۲۸۳۸ .

اثیر الدین اخسیکتی از شعرای قرن ششم است :

برای اطلاع از شرح حال او بمنابع زیرین مراجعه شود :

لباب الالباب جلد دوم ص ۲۲۸-۲۲۴ - تذکرة الشعرای دولته شاه سمرقندی ص
 ۱۲۶-۱۲۱ - آتشکده آذر ص ۳۳۴-۳۳۳ - ریاض العارفين ص ۱۶۸ - مجمع الفصحا جلد
 اول ص ۱۰۵-۱۰۲ شمع انجمن ص ۶۷ - سخن و سخنوران جلد دوم ص ۲۰۹ - ۱۸۷ -
 لغتنامه دهخدا «اثیر» ص ۱۰۱۸-۱۰۱۳ - تاریخ گزیده ص ۸۱۵-۸۱۴ - ریاض الجنه ،
 روضة پنجم، قسم دوم ص ۷۸۹ - ریحانة الادب جلد اول ص ۳۸ - ۳۷ - مقدمه دیوان
 اثیر الدین از رکن الدین همایون فرخ- تاریخ ادبیات ایران هرمان اته ص ۱۲۲-۱۲۱ .